



یولیا تیموشنکو، انقلاب نارنجی، عکس: آناتولی مدریک/آژانس فرانس پرس / آژانس گتی ایمجز / Anatoly Medzyk / Getty Images /

حالا وقتشه! انقلاب نارنجی و مبارزات اوکراین برای نیل به دموکراسی

رویایی که به انگیزه مبدل شد

در نوامبر ۲۰۰۴ میلادی مردم اوکراین بی‌صبرانه در انتظار اعلام نتایج رسمی دور نهایی انتخابات بودند. هنگامی که کمسیون مرکزی انتخابات اعلام کرد که ویکتور یانو کوویچ، نامزد دولت و گزینه مطلوب روسیه، با اختلاف کمی در تعداد آرا بر رقیب خود، ویکتور یوشچنکو - نامزد اپوزیسیون - پیروز شده است، برای هیچ کس دور از انتظار نبود. با وجود این که نظرسنجی‌های مستقل همه حاکی از شانس بیش‌تر یوشچنکو برای پیروزی در این انتخابات بود، هیچ کس تردید نداشت که یانو کوویچ، نامزد دولت، برنده رسمی اعلام خواهد شد. در سیزده سالی که از استقلال اوکراین از اتحاد جماهیر شوروی می‌گذشت، فساد در نهادهای دموکراتیک این کشور شدیداً گسترش یافته بود و تقلب در انتخابات پدیده‌ای کم‌وبیش عادی تلقی می‌شد. علی‌رغم این سابقه، اغلب صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ «کشیف‌ترین انتخاباتی بود که از سال ۱۹۹۱، زمانی که اوکراین به استقلال دست یافت، در این کشور برگزار شده بود».^۱ تحریف با «وقاحتی آشکار»

1- Bezverkha, Anastasia. *Ukraine's Orange Revolution: A Chronicle in PORA newsletters*. PORA, 2005. p.23

متداول شده بود و شخصیت‌های مخالف حکومت با تهدید و زندان مواجه بودند و یا پی‌درپی مورد حمله قرار می‌گرفتند. خود یوشچنکو طی مبارزات انتخاباتی به شدت مسموم شد.^۱ اما چه چیزی باعث شد که این انتخابات بدتر از انتخابات قبلی تلقی شود؟ به نوشته بک خیرنامه اجتماعی، انتخاب میان یوشچنکو و یانو کوویچ - که اولی طرفدار نزدیکی با اروپا بود و دومی از نزدیکی با روسیه هواداری می‌کرد - در واقع انتخاب میان دو گزینه بود: «چرخش اوکراین به سوی دموکراسی و توسعه فعال سیاسی و اقتصادی که در نهایت کشور را به پیوستن به جمع ملت‌های اروپایی رهنمون می‌شد، یا بازگشت به یک حکومت استبدادی و همکاری با کشورهای اوراسیا».^۲ به عبارت دیگر آنچه در خطر بود همانا آینده سیاسی اوکراین بود.

صبح روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، یوشچنکو در حرکتی معترضان اعلام کرد که اپوزیسیون نتیجه اعلام شده توسط کمیسیون مرکزی انتخابات را نمی‌پذیرد و از هواداران خود خواست در میدان مرکزی شهر کیف، پایتخت اوکراین، که نام آن «میدان» است تجمع کنند.^۳ فعالان سیاسی مخالف حکومت در جنبش مدنی «پورا»^۴ که متوجه شده بودند رژیم دست به یک تقلب گسترده زده است، از ساعت دو و نیم بعد از نیمه‌شب آغاز به برپا کردن چادر در میدان کرده بودند.^۵ رژیم که از قبل چنین واکنشی را از سوی اپوزیسیون پیش‌بینی کرده بود، در یک اقدام پیشگیرانه برای محافظت از مقر کمیسیون مرکزی انتخابات پیشاپیش دور تا دور ساختمان را حصار می‌کشید و دولایه کشیده بود و یک گروه ضربت ۳۰۰ نفری مجهز به تجهیزات ضد شورش و خودروهای نظامی همراه با دو خودرو آب‌پاش برای مقابله با شورشیان در محل مستقر کرده بود.^۶ در ظاهر از تمامی قرائن چنین برمی‌آمد که همه خود را برای جنگ آماده می‌کنند. در عوض هزاران شهروند اوکراینی اقدام به یک حرکت اعتراضی بدون خشونت کردند که کم‌کم تمامی میدان و شاه‌راه اصلی پایتخت را در خود گرفت. برخلاف آنچه که رژیم بیم آن را داشت، معترضان یک جمعیت مهاجم خواهان خون‌ریزی نبودند؛ بلکه «مردم عادی و صلح‌جویی از لایه‌های مختلف اجتماعی بودند که برای دفاع از آرمان‌های ساده، صداقت و عدالت - که همه دنیا آن‌ها را قبول داشتند - امنیت خود را به خطر انداخته بودند».^۷ اتحاد، عزم راسخ و بینش استراتژیک معترضان به «انقلاب نارنجی» و لغو انتخابات تلقی انجامید.

۲- ویکتور یوشچنکو طی مبارزات انتخاباتی با ماده شیمیایی دی‌اکسین مسموم شد؛ اثر آشکار این مسمومیت تغییر شکل فاحش چهره این شخصیت سیاسی بر اثر مسمومیت بود. او در وین (اتریش) تحت معالجه قرار گرفت.

(<https://p.dw.com/p/A5Qw>)

۳- کشورهای اوراسیا عبارتند از افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، جمهوری مالدی، مغولستان، تاجیکستان، ترکمنستان، اوکراین و ازبکستان. (منبع: <http://www.oecd.org/eurasia/cooperation/>)

4- Ibid. p.5

5- Krushelnycky, Askold. *An Orange Revolution: A Personal Journey Through Ukrainian History*. London: Secker & Warburg, 2006. p.283

۶- (Pora! (Пора!))، به معنی «حالا وقتشه!» نام سازمان مدنی جوانان اوکراین، موسوم به پورای سبزه و حزب سیاسی موسوم به پورای زرد بود که با اندیشه مقاومت غیرخشونت‌آمیز و استقرار دموکراسی در اوکراین در سال ۲۰۰۴ میلادی شکل گرفت و تنها تشکل مدنی جوانان در اوکراین بود. هدف این سازمان هماهنگ کردن عملکرد جوانان در مخالفت با حکومت لئونید کوچما (Leonid Kuchma)، رئیس‌جمهور وقت، بود که به شیوه‌های مستبدانه بر اوکراین حکومت می‌کرد.

7- Ibid

8- Bezverkha. p.23

9- Krushelnycky. p.2

تاریخچه فساد

در سال ۱۹۹۴ لئونید کوچما به عنوان دومین رئیس جمهور اوکراین پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی به قدرت رسید. در دوران حکومت او فساد به نحو روزافزونی گسترش یافت و آزادی‌های سیاسی و آزادی بیان از میان رفت. به همین سبب کوچما در داخل کشور و در صحنه بین‌الملل هدف انتقاد قرار گرفت.^{۱۱} تا وقوع انقلاب نارنجی، اوکراین در فساد عمیق فرو رفته بود. به طوری که سازمان بین‌المللی شفافیت^{۱۲} در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۰۴ و در رتبه‌بندی کشورهای جهان از حیث شاخص ادراک فساد، اوکراین را در رتبه اسف‌بار ۱۲۸ – پایین‌تر از ونزوئلا در رتبه ۱۲۰، روسیه در رتبه ۹۵، ایران در رتبه ۸۸ و سوریه در رتبه ۷۳ – قرار داده بود.^{۱۳} الیگارشی در کشور ریشه‌های عمیق، حتی عمیق‌تر از روسیه، داشت.^{۱۴} الیگارشی‌ها با پرزیدنت کوچما ارتباط نزدیکی و در مجلس قانون‌گذاری جناح‌های پرنفوذ و بزرگ داشتند، صاحب گول‌های رسانه‌ای بودند، از امتیازات وسیع دولتی بهره‌مند بودند و بسیاری از مقامات مهم، از جمله نیروهای انتظامی، را تحت کنترل خود داشتند.^{۱۵} تاسف‌برانگیزتر این که این فساد با سرکوب مردم همراه بود. با وجود آن که آزادی بیان در قانون اساسی مصوب ۱۹۹۶ تضمین شده بود، گزارش «خانه آزادی»^{۱۶} در سال ۲۰۰۴ حکایت داشت از «تضع مکرر این حقوق با دخالت‌های مستقیم و مستند در محتوای رسانه‌ای».^{۱۷} تلویزیون ملی سراسری به دولت یا به الیگارشی‌های وابسته به دولت تعلق داشت؛ به همین سبب شخصیت‌های سیاسی مخالف نظام به این رسانه‌ها دسترسی نداشتند و اغلب گزارش‌هایی از آن‌ها در این رسانه‌ها پخش می‌شد که جانبدارانه بود.^{۱۸} فعالان سیاسی و روزنامه‌نگارانی که علناً از رژیم انتقاد می‌کردند یا درباره فساد مطلبی می‌نوشتند با تعرض و خشونت شدید مواجه می‌شدند. قتل جیورجی گونگادزه^{۱۹}، روزنامه‌نگار مستقل، در سال ۲۰۰۰ – که شواهد غیرقابل انکاری حکایت از نقش کوچما

10- “Ukraine”, *Freedom House*. 2004. <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2004/ukraine>

۱۱- شفافیت بین‌الملل (به انگلیسی Transparency International): یک سازمان غیردولتی است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و مقر آن در برلین (آلمان) است. این سازمان در ۱۰۰ کشور نمایندگی دارد و هدف آن تلاش برای مبارزه با فساد و افزایش آگاهی درباره آن است. این سازمان سالانه اقدام به انتشار شاخص ادراک فساد (CPI “Corruptions Perception Index”) می‌کند. سنجش فساد با استفاده از شاخص‌هایی نظیر اختلاس، رشوه‌گیری، خرید و فروش مناصب دولتی، رشوه‌پذیری دستگاه قضایی، فساد مالی در هیئت حاکمه در میان سیاستمداران و مقامات دولتی و عدم مقابله کافی با ناکارایی در مبارزه با مواد مخدر صورت می‌گیرد.

12- «Corruption Perception Index 2004» *Transparency International*: https://www.transparency.org/research/cpi/cpi_2004/0

۱۳- در گزارش سال ۲۰۱۸ همین سازمان، اوکراین در رتبه ۱۲۰، بالاتر از ایران و روسیه در رتبه ۱۳۸، ونزوئلا در رتبه ۱۶۸، و سوریه در رتبه ۱۷۸ قرار داشت. [یادداشت مترجم]

14- Åslund, Anders. «The Ancient Regime: Kuchma and the Oligarchs.» *Revolution in Orange*. p.9

15- Ibid

۱۶- «خانه آزادی» (Freedom House): یک اندیشکده و موسسه مطالعاتی است که در سال ۱۹۴۱ میلادی بنیاد گذاشته شد و مقر آن در واشنگتن است. این سازمان یک نهاد غیردولتی است و موضوع مطالعات و تحقیقات آن دموکراسی، آزادی سیاسی و حقوق بشر و هدفش گسترش آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی و دموکراسی در جهان از طریق انتشار گزارش‌ها، تحلیل‌ها و فعالیت‌های میدانی است. (<https://freedomhouse.org/>)

17- “Ukraine.” *Freedom House*. 2004. <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2004/ukraine>

18- Ibid

۱۹- Georgiy Gongadze (۱۹۶۹ - ۲۰۰۰) روزنامه‌نگار اوکراینی و کارگردان فیلم که در سال ۲۰۰۰ ربوده شد و به شیوه فجیعی به قتل رسید.



زدو خورد در کی اف، اوکراین. رویدادهای ۱۸ فوریه ۲۰۱۴

در آن داشت - جرقه‌ای بود که منجر به تظاهرات عظیم از سوی مردم در مخالفت با رژیم شد.^{۲۰} به همین طریق، خبرنامه‌های نشریه «پورا» مستنداتی درباره مزاحمت‌هایی که برای نهادهای غیردولتی مستقل ایجاد می‌شد، منتشر می‌کرد که توسل به شگردهایی نظیر ممانعت از نشر اطلاعات درباره نتایج دیده‌بانی‌های سازمان‌های غیردولتی، بی‌اعتبار ساختن فعالیت‌های این سازمان‌ها و توسل به زور و حتی خشونت علیه این سازمان‌ها و فعالان جنبش‌های مدنی از نمونه‌های آن مزاحمت‌ها بود.^{۲۱}

حکومت اوکراین با وجود ظرفیت بالایی که برای فساد و سرکوب داشت، عاری از ثبات و اتحاد بود و آسیب‌پذیری‌های ذاتی‌اش به شکست آن در انقلاب نارنجی منجر شد.

برعکس اپوزیسیون که متحد بودند، دست‌اندر کاران رژیم به همان اندازه که با هم در کشمکش بودند با اپوزیسیون هم مبارزه می‌کردند و تلاش می‌کردند با تفرقه‌اندازی در صفوف مخالفان مانع از اتحاد و سازش موفقیت‌آمیز آن‌ها شوند. از آن‌جا که اختیارات کوچکی به عنوان رئیس جمهور بسیار محدودتر از آنچه که می‌خواست بود، او برای بسط قدرت‌ش در عمل نقش حکم را به خود داده بود. علی‌رغم موفقیت‌اش در این کار، نتیجه این عملکرد عدم استحکام قدرت دولت بود؛ الیگارشی‌ها و نهادهای انتظامی دائماً یکدیگر را زیر نظر داشتند.^{۲۲} این سیاست تفرقه‌اندازی و حکومت کردن به مرور زمان کم‌تر مؤثر واقع می‌شد. تعداد الیگارشی‌هایی که از حمایت دولت برخوردار بودند به تدریج کاهش یافت و اعمال خشونت علیه مستخدمین دولت، وزرا و سیاستمداران حکومتی دشمنی عده‌ای را در دستگاه حکومت و در میان نخبگان سیاسی و اقتصادی علیه دولت برانگیخت.^{۲۳}

اهداف و مقاصد اپوزیسیون

مخالفانی که در میدان تجمع کردند گروهی متکثر از سیاستمداران اپوزیسیون و مردم عادی از سراسر اوکراین بودند؛ اگرچه اکثر آن‌ها از غرب و مرکز کشور می‌آمدند.^{۲۴} آنچه آن‌ها را متحد می‌کرد عزم راسخ همه آن‌ها به پیروزی در لغو انتخابات تقلبی و رساندن این پیام قاطع بود که مردم دیگر حاضر نیستند تقابل‌های متداول رژیم گذشته را تحمل کنند. به گفته یکی از روزنامه‌نگاران، «همه یک هدف واحد در سر داشتند: می‌خواستند به دولت نشان دهند که دیگر نمی‌تواند هیچ چیز را به آن‌ها تحمیل کند».^{۲۵} عزم به تحقق این هدف حتی قبل از برپاشدن چادرها در میدان آشکار بود. یکی از فعالان دانشجویی عضو «پورا» جو حاکم و عزم راسخ فعالان را این‌گونه توصیف کرد: «ما دیگر حاضر نیستیم مثل سیزده سال گذشته - از روزی که استقلال اوکراین اعلام شد - دست روی دست بگذاریم و نتایج تقلبی [انتخابات] را بپذیریم. ما دموکراسی می‌خواهیم؛ زندگی‌ای را نمی‌خواهیم که سرنوشته‌مان را یک مشت آدم جنایتکار و هوا و هوس‌های آن‌ها رقم بزنند؛ این بار مردم خواهند ایستاد و مقاومت خواهند کرد».^{۲۶}

برای آن‌که اعتراض به نتایج تقلبی با موفقیت انجام شود، اپوزیسیون کوشش کرد مشروعیت یانو کوویچ را

20- Ibid

21- Bezverkha, p.9

22- Åslund, pp.23-24

23- van Zon, p.379

24- van Zon, p.393

25- Ibid, p.302

26- Ibid, p.281

سلب کند و بدین منظور تعمداً سیاست عدم همکاری با رژیمی را دنبال کرد که از بانو کوویچ حمایت می کرد. از همان آغاز کار عدم خشونت به عنوان یک حربه راهبردی (استراتژیک) در صدر اولویت‌ها قرار گرفت. «پورا» - که در اعتراضات نقش رهبری را به عهده داشت - شدیداً تحت تاثیر کتاب «از دیکتاتوری تادمو کراسی»، نوشته جین شارپ^{۲۷}، و سایر گروه‌های مدنی موفق نظیر «آتیورا»^{۲۸} در صربستان و «کمارا!»^{۲۹} در گرجستان بود که این گروه‌ها همه حامی مبارزه به دور از خشونت بودند.^{۳۰} پورا قصد داشت با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز رژیم را مختل کند و هدفش برپا کردن چادرهایی برای ایجاد یک شهرک چادری^{۳۱} دیگر در بیرون مجلس قانون‌گذاری اوکراین (رادا)، محاصره سایر ساختمان‌های دولتی و بستن راه‌های دسترسی به آن‌ها و ممانعت از خروج کوچما (رئیس جمهور وقت که دوره ریاست جمهوری‌اش به سر رسیده بود) از ویلایی بود که در آن اقامت داشت.^{۳۲} استفاده راهبردی از تکنولوژی ظرفیت آن‌ها را برای ایجاد اختلال افزایش داده بود. اپوزیسیون و به‌خصوص «پورا»، در استفاده از تکنولوژی جدید مهارت داشتند و اعضای اکثراً جوان و تحصیل کرده آن با چیره‌دستی و ابتکاراتی خلاقانه از تکنولوژی بهره‌برداری می کردند.^{۳۳}

اپوزیسیون، که به نحو چشمگیری بیش از رژیم قادر به بهره‌برداری مؤثر از اینترنت بود، خیلی سریع شبکه‌ای کارآمد برای اطلاع‌رسانی ایجاد کرد که از اهمیت حیاتی برخوردار بود؛ زیرا همه ایستگاه‌های اصلی تلویزیونی کشور - به استثنای یک ایستگاه - در کنترل دولت بود.^{۳۴} اپوزیسیون علاوه بر آن که اطلاعات را به طور مستقیم به اشتراک می گذاشت، «با یک رشته لطیفه، کارتون، ویدئو، عکس و ترانه رژیم را به شیوه‌های مؤثر به سخره می گرفت.»^{۳۵} همزمان با فعالیت‌های «پورا» و دیگران برای سلب مشروعیت از رژیم با توسل به طنز، پوشش‌کنو با یک ژست نمادین ادای سوگند به عنوان رئیس جمهور به این تلاش کمک کرد. او بعداً در این باره گفت: «ما بر این باور بودیم که باید به مردم و رأی‌دهندگان نشان دهیم که اعلام نتایج انتخابات به نفع بانکوویچ بک تقلب است!»^{۳۶} تعداد افرادی که میدان تجمع کرده بودند هنوز زیاد نبود و ما ناچار بودیم به میلیون‌ها نفر نشان دهیم که

27- *From Dictatorship to Democracy*, Gene Sharp (1918-2018).

۲۸- Otpor! (serbian Cyrillic: Отпор!)، به معنی «مقاومت»: یک تشکیلات سیاسی در صربستان که کار خود را به عنوان یک گروه و سپس یک جنبش مدنی معترض به سیاست‌های اسلوبودان میلوسوویچ، رئیس جمهور دیکتاتور صربستان، در سال ۱۹۹۸ آغاز کرد. وجه مشخصه آن توسل به شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز در مبارزه برای براندازی بود. این تشکیلات در سال ۲۰۰۴ پس از سرنگونی میلوسوویچ منحل شد.

۲۹- Kmara! (به زبان گرجی ჯმარა) به معنی «بس است»: جنبش مقاومت مدنی جوانان در گرجستان که پیش از و طی «انقلاب صورتی» در این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی فعال بود و موجب برافزاندن حکومت ادوارد شواردناز (-1992 Eduard Shevardnadze) شد. این جنبش از مدل آتیورا در صربستان اقتباس شده بود و فعالان آن با اعمال شیوه‌های مبارزه مدنی بدون توسل به خشونت در برافزاندن حکومت ادوارد شواردناز (۱۹۹۲-۲۰۰۳) نقش مهمی داشت.

30- Wilson, Andrew. *Ukraine's Orange Revolution*. New Haven, Conn. ; London: Yale University Press, 2005. pp.73-75.

31- Tent City.

32- Diuk, Nadia. "The Triumph of Civil Society." *Revolution in Orange: The Origins of Ukraine's Democratic Breakthrough*, edited by Anders Åslund & Michael McFaul, Carnegie Endowment for International Peace, 2006. p.81; Demes, Pavol & Forbrig, Joerg. "PORA - "It's Time" for Democracy in Ukraine," *Revolution in Orange*. P.96; Wilson 2005. p.129

33- Krushelnycky. p.301

34- Ibid

35- Ibid; Wilson 2005. pp.129, 132



حمله معترضان به یک افسر پلیس در حین زد و خوردهای کی اف، اوکراین. رویدادهای ۱۸ فوریه ۲۰۱۴.



یورومیدان در کی اف: ۱۹ فوریه ۲۰۱۴. حریق در خانه اتحادیه‌های کارگری. بنا به گزارش‌های منتشر شده این محل، که مقر معترضان بود، توسط پلیس به آتش کشیده شد.

به اندازه کافی نیرو، قدرت و باور به انجام هر آنچه ممکن بود داریم تا این جعل نتیجه انتخابات را لغو کنیم و انتخابات را منصفانه ببریم.^{۳۶}

تامین مایحتاج شهری که در زیر چادرهای میدان ایجاد شده بود، به‌خصوص با افزایش شمار معترضان به صدها هزار نفر، یکی دیگر از عوامل کلیدی در موفقیت جنبش بود. برای انجام این مهم نیروهای اپوزیسیون - در همه سطوح - با یکدیگر همراه شدند و همکاری کردند. شرکت‌های تجاری کوچک و متوسط و شهروندان ثروتمندتر تامین مداوم آذوقه و چادر و پوشاک معترضان را بر عهده گرفتند. همزمان گروه‌های متشکل از دانشجویان، جوانان و جامعه مدنی با همیاری و همکاری کارهای مربوط به تدارکات و عملیات را به دست گرفتند و در گذارسانی به معترضان و یافتن محلی برای اقامت آن‌ها مساعدت کردند.^{۳۷} به عنوان نمونه فعالان میدانی با مراجعه خانه به خانه خانواده‌هایی را که حاضر به سکنی دادن به معترضان بودند شناسایی کردند و سپس با استفاده از تلفن‌های همراه و کامپیوتر، اطلاعات جمع‌آوری شده را در یک بانک داده ذخیره کردند.^{۳۸} خیلی زود یک رشته عادات روزمره در شهر زیر چادرها جا افتاد که به روند موثرتر جریان تظاهرات کمک کرد.^{۳۹} هر روز صبح زود، در آشپزخانه‌های میدانی صحنه‌های برای معترضان آماده و توزیع می‌شد؛ سپس نیایشی دسته‌جمعی مطابق آیین کاتولیک و ارتدکس برگزار می‌شد. پس از آن نماینده حزب «اوکراین ما» (Our Ukraine) - که جناح حامی یوشچنکو در انتخابات بود - اغلب به عنوان اولین ناطق روز برای مردم سخنرانی می‌کرد و خلاصه اخبار رویدادهای شب را همراه با دستور کار برای روزی که آغاز می‌شد به آن‌ها ارائه می‌کرد. سپس سایر ناطقان سخنرانی می‌کردند. نوازندگان اوکراینی، اغلب نوازندگان بسیار معروف و محبوب در میان مردم، هر روز کنسرت اجرا می‌کردند. سیاستمداران خارجی و نوازندگان خارجی نیز روی صحنه‌ای که در میدان برپا شده بود می‌رفتند و حمایت خود را از معترضان اعلام می‌کردند.

رهبران جنبش

رهبر نمادین اپوزیسیون و یکتور یوشچنکو، نامزد اپوزیسیون برای مقام ریاست جمهوری، بود؛ اما او به هیچ وجه تنها رهبر انقلاب نارنجی نبود. بی‌تردید یوشچنکو در بین مردم از محبوبیت برخوردار بود؛ اما در رهبری ضعیف بود.^{۴۰} در عوض، میان عناصر مختلف در اپوزیسیون نوعی تقسیم کار وجود داشت؛ به طوری که هر یک نقشی متفاوت و متمایز از دیگری ایفا کردند و مجموعه این تلاش‌ها منجر به موفقیت انقلاب شد.

یوشچنکو اگرچه رهبر قوی و مقتدری نبود، شخصیت طبیعی‌اش موجب شد اپوزیسیون - که قبلاً پراکنده و متفرق بود - به دور او جمع شده و متحد شوند. اصلاحات اقتصادی و پرداخت مستمری‌ها و حقوق‌های عقب‌افتاده در زمان نخست‌وزیری یوشچنکو، او را به یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های سیاسی در اوکراین مبدل کرد.^{۴۱} در حین انقلاب نارنجی، یوشچنکو با گرفتن موضعی اخلاقی-سیاسی که برتر از رقیبان‌اش می‌نمود برخوردی خوشن‌دارانه و عمل‌گرایانه از خود نشان داد. اگرچه این شیوه عملکرد در مواردی

36- Krushelnycky. p.289

37- van Zon. p.387

38- Diuk. p.81

39- Krushelnycky. p.293

40- van Zon. p.397

41- Ibid. p.381

چند، هنگامی که انقلاب با خطر فروکش کردن شور و هیجان انقلابی مواجه شد، ددرساز شد؛ اما امروز نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که برخورد او منطقی بود. یوشچنکو توجه داشت که شمار بزرگ معترضان در میدان به این معنا بود که به کسانی که از او حمایت می‌کردند «اکنون صدها هزار نفر معترض دیگر پیوسته بودند که دلنگرانی‌شان بیش از هر چیز، خطری بود که دموکراسی را به طور کلی تهدید می‌کرد».^{۴۲}

جوانان او کراین با تشکیلات «پورا»، که هسته مرکزی آن‌ها را تشکیل می‌داد، نیروی محرکه پیشران انقلاب بودند. آن‌ها پیشگامان تاثیرگذار انقلاب نارنجی بودند و تلاش‌هایشان در برپا کردن و اداره اردوگاه عظیم میدان، فراهم آوردن آسایش معترضان ساکن اردوگاه، توزیع لباس و غذا و سرپناهی گرم – که مردم کیف تامین کردند – ضروری بود.^{۴۳} فرای ساماندهی میدان، پورا مسئول هماهنگ کردن اعتراضات خیابانی، مسدود کردن راه‌های دسترسی به ساختمان‌های ادارات دولتی و برپایی یک اردوگاه دوم (با چادر) در نزدیکی مجلس قانون‌گذاری اوکراین بود.^{۴۴} موفقیت «پورا» بیش از هر چیز ناشی از ظرفیت تشکیلاتی بسیار کارآمد این گروه و وسواسی بود که در مراحل مقدماتی برای آماده کردن زمینه کارها به خرج می‌دادند. «پورا»، که تعمداً ساختار غیرهرمی داشت، در حین اعتراضات با انضباط شایان تقلید عمل می‌کرد. در اردوگاه‌هایی که با برافراشتن چادر درست شده بود، «پورا» از حیث ساختار تشکیلاتی الگوی تشکیلات قزاق‌های اوکراین را اقتباس کرده بود: یک «فرماندهی» کل، که چندین افسر زیردست آن‌ها هر یک مسئول گردان‌هایی متشکل از یکصد نفر بودند که به همین ترتیب هر یک از آن‌ها مسئول جوخه‌های ده نفری بودند.^{۴۵}

«پورا» مدت‌ها قبل از برگزاری انتخابات اقدام به آموزش و توسعه منابع انسانی خود کرده و گام‌هایی در این باره برداشته بود که شامل این موارد می‌شد: گسترش شبکه داوطلبان، سازمان‌دادن اردوگاه‌های آموزشی برای آموزش چگونگی برخورد عاری از خشونت به هنگام وقوع درگیری و آماده کردن کتابچه‌های راهنمای مکمل درباره موضوعاتی نظیر «آگاهی‌رسانی به مردم»، «حقوق شهروندی در زمان بازداشت»، «نقض قوانین انتخابات» و «مکاتبات داخلی و هماهنگ کردن عملیات».^{۴۶}

علاوه بر یوشچنکو و «پورا» – که اولی نقش نمادین و دومی نقش نیروی محرکه پیشران را داشت – افراد دیگری بودند که هر یک در رهبری تظاهرات اعتراضی نقشی مهم و منحصر به فرد ایفا کردند. به عنوان نمونه یوری لوتسنکو^{۴۷} «دی‌جی سیاسی» میدان بود^{۴۸}؛ جوانی، انرژی و سخنرانی‌های صریح و امیددهنده توأم با طبع شوخ او به مردم نیرویی تازه می‌داد.^{۴۹}

42- Wilson 2005. p.128

43- Demes & Forbrig. p.96

44- Demes & Forbrig. p.96

45- Diuk. p.81

46- Demes & Forbrig. p.92

۴۷- Yurii Lutsenko (۱۹۶۴) سیاستمدار اوکراینی که در سمت‌های دادستان کل و وزیر کشور هم در امور این کشور نقش داشته است.

48- Ibid

49- Krushelnycky. p.267

یولیا تیموشنکو^{۵۰} هم حس ناامیدی را در مردم فرو می‌نشاند و یکی از مهم‌ترین رهبران انقلاب بود. او علاوه بر این، رهبر یکی از جناح‌های مهم اپوزیسیون هم بود. نطق‌های آتشین و فصاحت کلام پر شور تیموشنکو در میدان «مردم را مجذوب خود می‌کرد و مکمل شیوه خویشتن‌دارانه یوشچنکو بود».^{۵۱} او نه تنها در برانگیختن توده‌ها و فراخواندن آن‌ها به گرفتن قدرت از دست حکومت مهارتی بی‌نظیر داشت، مهم‌تر از آن اهل عمل بود و به گفتار بسنده نمی‌کرد. هنگامی که معترضان دفتر ریاست جمهوری را محاصره کردند یولیا تیموشنکو پذیرفت که برای ملاقات با نمایندگان رژیم وارد ساختمان شود. او در پایان این ملاقات، پیروزمندانه و با چهره‌ای خندان از ساختمان خارج و با استقبال بی‌نظیر جمعیت مواجه شد. در یک مورد دیگر، به صف سربازان سیاهپوش وزارت کشور - که میدان را محاصره کرده بودند - نزدیک شد و به سپر بزرگ و خاکستری‌رنگ سربازان یک شاخه گل رز نارنجی چسباند.^{۵۲}

پیام و مخاطبین

نیروی محرکه انقلاب نارنجی در اوکراین و پیام این جنبش این بود که مردم دیگر وضعیت موجود در کشور را از حیث فساد سیاسی، سرکوب و براندازی مستمر روند دموکراتیک تحمل نمی‌کنند. این پیام بارها توسط معترضان در میدان، که مردم عادی بودند، ابراز شد. به نقل از یکی از آنان:

«من نوجوان بودم که اوکراین مستقل شد. همه به آینده‌ای خوب و روشن امید داشتیم، اما امیدمان نقش بر آب شد؛ دولت‌هایی که بر سر کار آمدند همه ما را گول زدند و دست انداختند. ما سکوت کردیم و این‌ها تصور کردند که همیشه ساکت خواهیم ماند؛ تصورشان اشتباه بود. ما نمی‌خواهیم یک مشت راهزن کشورمان را اداره کنند. ما یک کشور عادی می‌خواهیم؛ جایی که بتوانیم کار کنیم، آزاد باشیم و دولتی داشته باشیم که برای مردم کار کند».^{۵۳}

مردم حس می‌کردند که نه تنها ادامه وضع موجود دیگر ممکن نیست، بلکه نیاز به یک نظام حقیقتاً عادلانه و پاسخگو تبدیل به یک ضرورت مبرم شده است که مدت‌ها پیش می‌بایست به آن پرداخته می‌شد. یوشچنکو در یکی از سخنرانی‌هایش در میدان خطاب به مردم گفت: «من بیش از هر زمان دیگر باور دارم که آنچه را که ما امروز در این سرمای طاقت‌فرسا انجام می‌دهیم باید در سال ۱۹۹۱ انجام می‌دادیم. چرا که در این دنیا عدالت همیشه حاکم نیست و هر چیز بهایی دارد که می‌بایست آن را پرداخت. شاید امروز ما بهای کم کاری سیزده سال پیش را می‌پردازیم.» «پورا» تجسم این احساس بود. معنای اصطلاح «پورا» در زبان اوکراینی «حالا و قشبه»^{۵۴} است و نماد تصویری (آرم) این تشکیلات ساعتی بود که عقربه‌هایش ساعت یازده را نشان می‌داد.^{۵۵}

۵۰- Yulia Tymoshenko (۱۹۶۰) سیاستمدار اوکراینی و نخست‌وزیر سابق که رهبر حزب سیاسی «سرزمین پدری» و هوادار پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا است.

51- Ibid. p.304

52- Ibid

53- Krushelnycky. p.295

54- 41 Demes & Forbrig. p.97

۵۵- «ساعت یازده» در فرهنگ مسیحیت استعاره‌ای است که از روایتی در انجیل اقتباس شده و معنی آن «آخرین فرصتی است که هنوز می‌توان کاری را انجام داد». رجوع کنید به: (King James Bible, Matthew 20:6)

اتحاد میان معترضان در سرودهایی که در میدان می خواندند و شعارهایی که می دادند به وضوح احساس می شد؛ از جمله این شعارها «ما همه با هم هستیم» و «با هم، خیلی هستیم» بود.^{۵۶} اپوزیسیون از هر فرصتی استفاده می کرد تا پیام شفافیت و حکومت قانون خود را با سابقه تبهکارانه بانو کوویچ - که بر هیچ کس پوشیده نبود - مقایسه کند و «از آن به عنوان سمبل فساد عمومی در کل نظام بهره برداری کند».^{۵۷} تاکید آن‌ها بر لزوم قراردادن او کراین در مسیری نو بود و رنگ نارنجی را به عنوان نماد این حرکت انتخاب کردند. انتخاب این رنگ برای این بود که «نارنجی از حیث سیاسی بار تاریخی نداشت؛ مثلاً آن‌طور که قرمز کمونیسم را تداعی می کرد یا آبی و زرد پرچم رنگ‌هایی بود که اقوام روس دوست نداشتند، یا قرمز و سیاه به ناسیونالیسم او کراین منتسب بود».^{۵۸}

در این حرکت اعتراضی سراسر نارنجی، یکپارچه و مصمم کوچک‌ترین نشانی از عقب‌نشینی یا دعوت به سرکوب از طریق خشونت نبود و این خود موجب تفرقه بیش تر در درون نظام شد؛ به طوری که هر روز تعداد بیش تری به نظام پشت می کردند و به اپوزیسیون می پیوستند. طولی نکشید که سه شهر بزرگ او کراین، برخی از حکومت‌های محلی و برخی از واحدهای ارتش و پلیس یوشچنکو را به عنوان رئیس جمهور به رسمیت شناختند.^{۵۹} افسران ارتش و دستگاه اطلاعاتی در میدان بر بالای سکو می رفتند تا اعلام کنند که «از دستور سرکوب معترضان صلح جو سرپیچی خواهند کرد».^{۶۰} کوچما و وابستگانش به تلخی دریافتند که بخش قابل توجهی از نیروهای امنیتی و اطلاعاتی - نظامی دیگر در کنترل آن‌ها نیستند؛ واقعیتی که عملاً خطر سرکوب خشونت‌بار و هماهنگ شده را منتفی کرد.^{۶۱} چهار روز پس از آن که چادرها در میدان برافراشته شد، ریزش نظام آغاز شد؛ اتحاد در صفوف وابستگان رژیم شکست و ترس آن‌ها را فرا گرفت.^{۶۲} در ایستگاه‌های تلویزیونی کشور، شمار بی سابقه‌ای از کارکنان با تمرد از دستور، از خبررسانی دروغ به نفع نظام امتناع کردند.^{۶۳} در خارج از کشور، ۱۵۰ دیپلمات او کراینی مامور در کشورهای مختلف به دولت خود پشت کردند و با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند: «ما نمی توانیم ساکت بمانیم و به مشاهده این اوضاع ادامه دهیم که توسعه دموکراتیک او کراین را زیر سوال می برد و سال‌ها تلاشی که برای بازگرداندن کشورمان به اروپا شده را به باد خواهد داد».^{۶۴}

56-Wilson 2005. p.129

57- Ibid. p.96

58- Krushelnycky. p.299

59- Krushelnycky. pp.289-290

60- Ibid. p.298

61- "The man who survived Russia's poison chalice." *The Age-Australia*. 23 January 2015. <https://www.theage.com.au/world/the-man-who-survived-russias-poison-chalice-20050123-gdzf3h.html>

62- Wilson 2005. p.130

63- Ibid. pp.130-131

64- Krushelnycky. p.291

پایان کار: پیروزی

قبل از انقلاب نارنجی و در حین آن، اپوزیسیون طرفدار دموکراسی و نزدیکی با غرب و نظام حاکم که هوادار روسیه و نزدیکی با شرق بود، هر دو از حمایت و همکاری شرکا و حامیان خود بهره جستند. در جناح اپوزیسیون، نهادهای غیردولتی و اندیشکده‌های طرفدار جنبش نارنجی از کمک‌های مالی و مساعدت گروه‌هایی نظیر خانه آزادی^{۶۵}، انستیتو ملی دموکراتیک^{۶۶}، بنیاد جامعه باز^{۶۷} و چندین دولت غربی بهره‌مند شدند.^{۶۸} در حین اعتراضات، دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی حمایت دیپلماتیک قابل توجهی از این حرکت کردند و رسماً و صراحتاً با صدور بیانیه‌های رسمی اعلام کردند که انتخابات قبلی را نمی‌پذیرند. این اتفاق نظر میان آمریکا و اروپا زمانی نقش تعیین‌کننده پیدا کرد که یک هیئت رسمی از اتحادیه اروپا، با حمایت آمریکا، موفق شد با نظام وارد مذاکره شود و طی یک رشته مذاکرات طرفین به سازش رسیدند که از جمله پیامدهای آن، برگزاری مجدد انتخابات بود.^{۶۹} دور نهایی انتخابات بالاخره در ۲۶ دسامبر برگزار شد. یوشچنکو در انتخابات پیروز شد و تیموشنکو را به نخست‌وزیری برگزید.

رئیس‌جمهور جدید در ژانویه ۲۰۰۵ ادای سوگند کرد و ۵ سال در سمت ریاست جمهوری باقی ماند. کارزار انتخاباتی «پورا» که ماموریت خود را با موفقیت به انجام رسانده بود، رسماً در همان ماه خاتمه کار خود را اعلام کرد. پس از آن چندین تشکیلات، که همه از پورا نشئت گرفته بودند، اعلام موجودیت کردند که یکی از آن‌ها حزب سیاسی پورا بود. «وجه اشتراک همه این تشکیلات اهمیتی است که جملگی به توسعه دموکراسی در اوکراین در درازمدت می‌دهند.»^{۷۰}

متأسفانه و علی‌رغم امید زیادی که مردم به انقلاب نارنجی داشتند ریاست جمهوری یوشچنکو به انتظارات مردم پاسخ نداد. اگرچه هنجارهای دموکراتیک تا حدودی بهتر شد؛ اما ثبات و رونق حاصل نشد. اقتصاد اوکراین که در گذشته در حال رشد بود به دنبال رکود ۲۰۰۸ شدیداً صدمه خورد و ضعف رهبری و فساد دیرپا این آسیب را تشدید کرد.^{۷۱} اتحاد یوشچنکو و تیموشنکو دیری نپایید و خیلی زود به تقابل و کشمکش انجامید. یوشچنکو در پایان دوره ریاست جمهوری‌اش در سال ۲۰۱۰، بی‌اندازه منفرود مردم شده بود. از همه بدتر، تلاش‌های او برای

۶۵- Freedom House، به فارسی: «خانه آزادی»، رجوع کنید به پانویس شماره ۱۴.

۶۶- The National Democratic Institute یا موسسه دموکراتیک ملی: یک سازمان غیرانتفاعی، فراجزی و غیردولتی است که برای حمایت و تقویت نهادهای دموکراتیک، بر اساس اصولی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام شده، فعالیت می‌کند و هدفش تشویق مشارکت شهروندان و شفافیت و پاسخگویی از سوی دولت است. این نهاد در سال ۱۹۸۳ بنیاد گذاشته شد و در ۱۵۶ کشور با همیاران محلی همکاری می‌کند. پیامی که این نهاد با شیوه عملکرد و برخوردش اشاعه می‌دهد این است که اگرچه دموکراسی در یک مدل واحد نمی‌گنجد؛ اما اصول پایه‌ای آن - که هسته مرکزی دموکراسی را تشکیل می‌دهد - در همه دموکراسی‌ها یکسان است.

۶۷- The Open Society Foundation یا «بنیاد جامعه باز» یک شبکه بین‌المللی است که جورج سوروس (George Soros)، سرمایه‌دار و کشتگر سیاسی مجاریتار آمریکایی، بنیانگذار و رئیس هیئت مدیره آن است. این بنیاد با حمایت مالی از گروه‌های جامعه مدنی در کشورهای مختلف تلاش می‌کند به پیشبرد عدالت، آموزش، بهداشت عمومی و مطبوعات آزاد مساعدت کند.

68- Wilson, Andrew. "Ukraine's Orange Revolution, NGOs and the Role of the West*," *Cambridge Review of International Affairs*, 19:1. 2006. <https://doi.org/10.1080/09557570500501747>. pp.24-29

69- Wilson 2005. pp.138-140

70- Ibid. p.99

71- Owens, Matthew. "Viktor Yushchenko's Star Has Fallen." *Newsweek*. 13 March 2009: <https://www.newsweek.com/viktor-yushchenkos-star-has-fallen-76515>



یورومیدان در کی اف: ۱۹ فوریه ۲۰۱۴. حریق در خانه اتحادیه‌های کارگری. بنا به گزارش‌های منتشر شده این محل، که مقر معترضان بود، توسط پلیس به آتش کشیده شد.

تضعیف تیموشنکو، که به گفته یکی از نزدیکانش به نوعی «روان‌پریشی» تبدیل شده بود، در نظر بسیاری از ناظران زمینه را برای بازگشت پیر «شور» انقلاب نارنجی مساعد کرد: یانو کوویچ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۰ با اختلاف کم تر از چهار درصد، بر تیموشنکو پیروز شد.^{۷۲}

با این حساب ممکن است برخی تصور کنند که انقلاب نارنجی شکست خورده است، اما واقعیت این چنین نیست؛ انقلاب نارنجی جامعه اوکراین را متحول کرد. از سال ۲۰۰۴ مردم اوکراین دیگر به هیچ وجه زیر بار حکومت‌های ضد دموکراتیک فاسد و استبدادی به مدل روسی نمی‌روند. مردم اوکراین، به خصوص جوانان این کشور، به وضوح «دموکراسی واقعی» را با همه فرازونشیب‌ها و کم‌وکاستی‌هایش بر نظام سرمایه‌داری مستبدانه حاکم بر کشور همسایه، که از نوعی ثبات سطحی برخوردار است، ترجیح می‌دهند.^{۷۳}

تلاش‌های یانو کوویچ برای احیای یک حکومت استبدادی روس‌مآبانه، با خلع ید او از قدرت طی اعتراضات گسترده مردم در سال ۲۰۱۳ خاتمه یافت. نیروی محرکه انقلاب نارنجی و انقلاب موسوم به «یورومیدان»^{۷۴} در سال ۲۰۱۳، از دو جنس متفاوت بود: اولی به دنبال تقلب در انتخابات و دومی با یک چرخش بین‌المللی به سوی روسیه و برای دور شدن از اروپا رخ داد؛ اما تأکید هر دو بر فراخوانی برای دفاع از حقوق مردم و آینده دموکراتیک کشور بود.^{۷۵} به نقل از یکی از رهبران یورومیدان، اعتراضات اخیر نشان داد که «انقلاب نارنجی یک قصه پریان نبود که فقط یک بار رخ دهد؛ بلکه یک ویژگی اوکراین بود».^{۷۶} مردم اوکراین دیگر هرگز کنار نمی‌ایستند تا اجازه دهند یأس و ناامیدی آن‌ها را از پای در آورد؛ بلکه [هر گاه لازم باشد] مثل سیل به خیابان‌ها می‌ریزند تا طلب دموکراسی کنند.

72- Feifer, Gregory. "Unloved but Unbowed, Ukraine's Viktor Yushchenko Leaves Office." *Radio Free Europe/Radio Liberty*. 24 February 2010: https://www.rferl.org/a/Unloved_But_Unbowed_Ukraines_Viktor_Yushchenko_Leaves_Office/1967436.html

73- Owens

۷۴- Euromaidan (به اوکراینی «Євромайдан» عنوانی است که به یک رشته تظاهرات و ناآرامی‌های مدنی در اوکراین اطلاق می‌شود که در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ با یک گردهمایی اعتراض‌آمیز در میدان استقلال کیف آغاز شد. آنچه این اعتراضات را برانگیخت تصمیم دولت وقت به تعلیق امضای یک توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا بود؛ در عوض دولت مصمم بود که با روسیه و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا روابط نزدیک‌تری برقرار کند. این موضع دولت نسبت به اروپا و حساسیت مردم به فساد گسترده در حکومت، سوءاستفاده از قدرت و نقض حقوق بشر موجب بالاگرفتن موج اعتراضات علیه دولت وقت شد. گسترش موج اعتراضات در نهایت به برکناری رئیس‌جمهور وقت در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ و فرار او از اوکراین و برکناری دولت انجامید.

75- Onuch, Olga. "Who Were the Protesters?" *The Maidan and Beyond*. Journal of Democracy, 25:3, 2014. p.48. <https://www.journalofdemocracy.org/sites/default/files/Ukraine-25-3.pdf>

76- Way, Lucan. "Civil Society and Democratization." *The Maidan and Beyond*. p.35

برای آگاهی و کسب اطلاعات بیش تر درباره «انقلاب نارنجی» به منابع زیر مراجعه کنید:

Learn More

News and Analysis

- Branigin, William. "U.S. Rejects Tally, Warns Ukraine." Washington Post. 25 November 2004. <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/articles/A10212-2004Nov24.html>
- "Deadly dioxin used on Yushchenko." BBC News. 17 December 2004. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/4105035.stm>
- "Corruption Perception Index 2004." Transparency International. https://www.transparency.org/research/cpi/cpi_2004/0
- Morgan, Martin. "Analysis: Ukraine's youth rise up." BBC News. 23 December 2004. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/4122485.stm>
- Schneider, William. "Ukraine's 'Orange Revolution'." The Atlantic. December 2004. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2004/12/ukraines-orange-revolution/305157/>
- "The man who survived Russia's poison chalice." The Age-Australia. 23 January 2015. <https://www.theage.com.au/world/the-man-who-survived-russias-poison-chalice-20050123-gdzf3h.html>
- "Timeline: Battle for Ukraine." BBC News. 23 January 2005 <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/4061253.stm>
- "Ukraine." Freedom House. 2004. <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2004/ukraine>
- "Ukrainians Overthrow Dictatorship (Orange Revolution), 2004." Global Nonviolent Action Database. <https://nvdatabase.swarthmore.edu/content/ukrainians-overthrow-dictatorship-orange-revolution-2004>
- "Ukraine poll crisis deepens." CNN. 23 November 2004. <http://www.cnn.com/2004/WORLD/europe/11/23/ukraine/index.html>

Books

- Bezverkha, Anastasia. Ukraine's Orange Revolution: a chronicle in PORA newsletters. PORA, 2005
- Krushelnycky, Askold. An Orange Revolution a Personal Journey through Ukrainian History. London: Secker & Warburg, 2006. P.283
- Wilson, Andrew. Ukraine's Orange Revolution. New Haven, Conn; London: Yale University Press, 2005
- Åslund et al. Revolution in Orange: The Origins of Ukraine's Democratic Breakthrough, edited by Anders Åslund & Michael McFaul, Carnegie Endowment for International Peace, 2006.

Multimedia

- "Orange Revolution (English)." International Center on Nonviolent Conflict. <https://www.nonviolent-conflict.org/orange-revolution-english/>
- "Orange Revolution (Farsi)." International Center on Nonviolent Conflict. <https://www.nonviolent-conflict.org/orange-revolution-farsi/>
- "Orange Revolution 2004 Documentary Film THE ORANGE CHRONICLES short version." Youtube. 22 December 2013. <https://www.youtube.com/watch?v=dL-1mCHffgI>
- "Poisoned." Youtube. 26 October 2013. <https://www.youtube.com/watch?v=amMD1dOqxUw>